



- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سعید میثم موسوی مهر
- سردبیر: سید مسجاد طلوع هاشمی
- نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵
- نامبر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
- روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۷۸۹

SHAHRRANNEWS.IR

۳شنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میتوان نامۀ اخلاق حرفه‌ای

دمای هوای مشهد

۴۶%

۱۰°↑

۲۱°

صبح ۱۴

ظهر ۲۱

عصر ۱۸

شب ۱۵

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۳۲:۵۹

نیمه شب شرعی ۲۲:۴۹:۰۴

غروب آفتاب ۱۸:۰۰:۲۹

اذان صبح فردا ۰۳:۳۶:۰۳

اذان مغرب ۱۸:۱۹:۰۴

طلوع آفتاب فردا ۰۵:۰۴:۰۷

آخر بخانه لولیان ایران: باطریق مردم

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۳۲:۵۹

نیمه شب شرعی ۲۲:۴۹:۰۴

غروب آفتاب ۱۸:۰۰:۲۹

اذان صبح فردا ۰۳:۳۶:۰۳

اذان مغرب ۱۸:۱۹:۰۴

طلوع آفتاب فردا ۰۵:۰۴:۰۷

کارتون شهر



در حاشیه افزایش ۳ برابری قیمت مسکن در مشهد نسبت به ۲ سال گذشته



رضا جنکی

شوخی بی شوخی

عرض اندام ارزا!

یک نفر وارد اتاق عمل می شود و قصد دارد با دستان غیراستریل، یک چسب زخم را به قلب بزند. البته این را هم نمی داند که کدام عضو قلب است و کدام یک قلوه! اینکه می گویند ما خودمان حواسمان به قیمت ارز هست تصویری کنیم که به یک نفر سپرده اند مواظب ماشین باشد، ولی بعد بیاید و بگویند حواسم به ماشین بود و تمام لحظاتی که آمدند و آن را بردند با دقت نگاه کردم. وقتی کارشناسان اقتصادی را به تلویزیون دعوت می کنند تا بگویند بازار ارز جای خوبی برای سرمایه گذاری نیست همان زمان کودکی خود را تصور می کنیم که پدر و مادرها می خواستند برون دهمانی ولی به ما می گفتند مافقط داریم می رویم امپول بزنیم. وقتی می گویند نگران نباشید، اتفاق بدی در اقتصاد مان نمی افتد تصور می کنیم یک نفر از ساختمان بیست طبقه دارد سقوط می کند و وقتی به طبقه پنجم می رسد خوشحال باشد و بگوید: خوشبختانه تا اینجا کار که اتفاق بدی برایم نیفتاده است!

همان طور که در جریان هستید، جریان افزایش نرخ ارز این روزها به شدیدترین حالت خودش رسیده است. البته مسئولان هم بی تفاوت نیستند و مصاحبه ها و اظهار نظرهایی دارند. اظهار نظرهایی که برای هر کدام می توان یک حالت خاص تصور شد.

مثلا وقتی می گویند می خواهند با توزیع ارز در صرافی ها قیمت ارز را کنترل کنند یک آقا را تصور می کنیم که بایک ظرف ماست ۹۰۰ گرمی پرچرب می رود لب ساحل تا با آن از تمام آب دریا دوغ درست کند. وقتی می گویند به زودی قیمت ارز پایین می آید تصور می کنیم نومور گنده ای روی سرمان داریم که دارد به سمت مغز پیشروی می کند، اما یک نفر آمده و می گویند نومور خودش از فردا از این همه فرت و فرت بزرگ شدن خسته می شود و شروع می کند به کوچک و کوچک تر شدن. وقتی می گویند برای کنترل نرخ ارز روش ویژه و منحصر به فردی داریم. تصور می کنیم وسط عمل قلب باز مهم که هر لحظه ممکن است قلب از حرکت بایستد

اول شخص

مثل گیلان، زلال و سبز

یادی از کیومرث ملک مطیعی، پیشکسوت بازیگری که در ۲۱ فروردین سال ۱۳۸۹ درگذشت



آزاده چشمه سنگی نویسنده

فیلم «صبح خاکستر» و سریال «شاه دزد» او را از ورطه بازیگران آماتور بیرون کشید تا سری میان دیگر بازیگران فعال دهه ۵۰ بالا بگیرد. او که همچنان تا پایان دهه ۶۰ به موازات فعالیت در سینما و تلویزیون بازی بر صحنه تئاتر را ترک نکرد. عمده تمرکز خود را بر بازی برابر دوربین های تصویربرداری گذاشته بود. در کارنامه هنری او بیش از ۴۷ اثر سینمایی و ۶۷ مجموعه تلویزیونی به چشم می خورد. اما آنچه او را به یکی از پرکارترین پیشکسوتان عرصه بازیگری تبدیل کرد. نه دل مشغولی های مالی که اشتیاق بی حد و حصر به هنر و فعالیت در این حوزه بود. زیرا از همان سال های جوانی در کنار بازیگری، به استخدام اداره برق درآمد تا محل اصلی درآمد او به بازیگری محدود نشود.

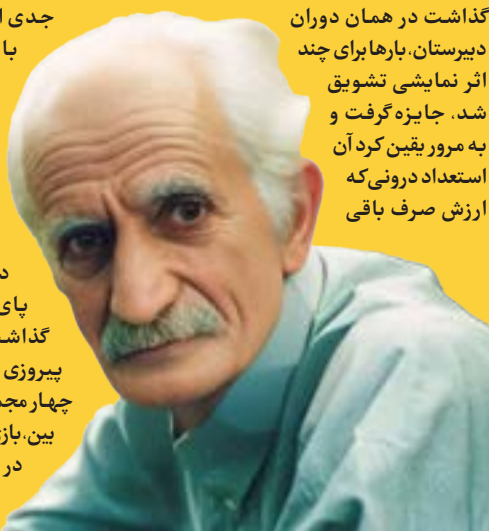
کیومرث ملک مطیعی را عمدتاً با نقش های زودرنج و نگاه های غضب آلود و ملامت های بی وقفه به یاد می آوریم. اما او در زمره بازیگرانی بود که تکرار در نقش های پیشنهادهی را به شکلی باورپذیر و دوست داشتنی اجرا می کرد و هربار تماشا می صبا نیت های شیرین او، جای تازه ای در قلب مخاطب باز می کرد.

عمرش را دارد. همین بازیگری است. اولین بار که به طور جدی با تحصیلات آکادمیک در حوزه بازیگری رویه رو شد. اطلاعاتیه پذیرش هنرجو در تئاتر رشت بود. پس از آن با قبولی در آزمون عملی. جریان هنر به طور رسمی در زندگی کیومرث ملک مطیعی، جاری شد. اولین کار جدی او در تئاتر، نمایشنامه ای بود با عنوان «نادر پسر شمشیر».

آنجایی که درست در حوالی بیست و سه سالگی موظف بود نقش یک پیرمرد هشتاد و پنج ساله را بازی کند. موفقیت در اجرای این نقش، او را به باورهای درونی اش نزدیک تر کرد تا خود را به عنوان یک بازیگر باور کند! در آغاز دهه ۵۰ کیومرث ملک مطیعی پای خود را از سالن های نمایش فراتر گذاشت. به سینما ورود کرد و تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی. در بیش از ۱۰ فیلم و چهار مجموعه تلویزیونی حاضر شد که در این بین بازی در سریال موفق «دایی جان ناپلئون» در سال ۱۳۵۴. با نقش یک معلم. پیش از پیش در نظر مخاطبان آمد. بازی در

کیومرث ملک مطیعی هم در سن کودکی، مثل دیگر هم سن و سال های خود. تمام دنیایش بازی در طبیعت سرسبز زادگاهش. انزلی بود. اما رفته رفته به سن مدرسه و درس و تحصیل که رسید. قلاب احساسات و علاقه مندی هایش به هنر نمایش گیر افتاد.

آن قدر که وقتی پا به عرصه بازیگری گذاشت در همان دوران دبیرستان بارها برای چند اثر نمایشی تشویق شد. جایزه گرفت و به مرور بقیین کرد آن استعداد درونی که ارزش صرف باقی



غلام شیش لول بند

بخش سریال کمدی «زیر آسمان شهر» اولین بار در سال ۱۳۸۰ از شبکه ۳ سیما آغاز شد. مجموعه ای خاطره انگیز و موفق که با استقبال مخاطبان خود به تولید سری دوم و سوم نیز رسید و با کارگردانی مهران غفوریان. بخشی فراموش نشدنی از خاطرات ایرانیان را در دهه ۸۰ به خود اختصاص داد. کیومرث ملک مطیعی نیز در این مجموعه با نقش غلام شیش لول بند به یکی از محبوب ترین شخصیت های این اثر تبدیل شد به طوری که عمده ایرانیان او را با این نقش به خاطر می آوردند.

روایت

املت در آستانه هدایت



زنجبیر درخشان نویسنده و روزنامه نگار

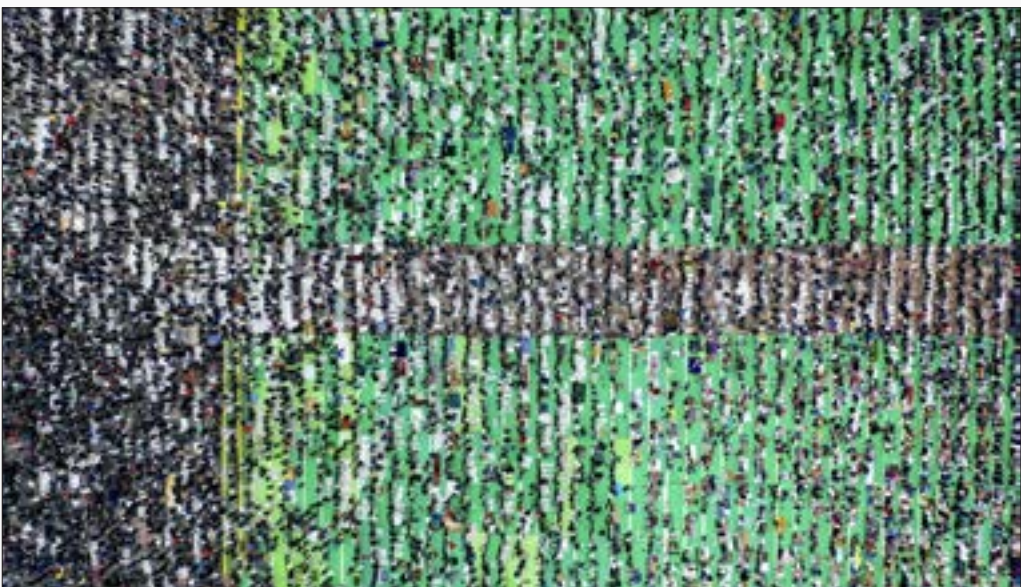
سلام نماز را که دادیم سریع از جا کنده شدم تا برای چنین روزی که قرار است در مورد شان بنویسم چهره هایشان را ببینم. دوتا پسر لاغر بلندقد، با پیراهن سفید روی شلوار و ریش های نه خیلی بلند و نه خیلی کوتاه فر به رنگ کاملاً خرمایی! خیلی سعی کردم رنگ چشم هایشان را هم ببینم، اما سرشان خیلی پایین بود. کپی هم بودند، اما به اندازۀ زهد و پسر اختلاف سنی نداشتند، به آن ها می خورد دو برادر خیلی مخلص باشند، با سر پایین نشسته بودند، ته مانده اشکشان را می ریختند، به خطبه ها گوش می دادند و با تبسیج تر بت کر بلا ذکر می گفتند. بعد از خطبه ها که حیاط مصلی به سرعت خالی می شود خیلی باطمینان و با همان سر پایین سجاده هایشان را جمع کردند و توی جمعیت ناپدید شدند. دلم به حال خودم سوخت. فکر می کردم که سی روز مثلاً روزه گرفتنی که عید فطر این چنینی نداشته باشد چقدر گرسنگی کشیدن چیست؟ بله! من در آستانه دروازه تحول ایستاده بودم و درهای هدایت به رویم باز شده بود، تمام راه خانه به آن دو جوان فکر کردم. حدود یک ساعت بعد، با خون سردی یک قاتل زنجیره ای در حالی که نان سنگک کنج دی را کف

املت، دستی در حال حمل پیاز و چشمی نگران از خالی شدن ماهیتابه از سوی دیگر اعضای خانواده استوری می زند: «صدحیف که آن رفقت! اتفاق اما چند سال پیش افتاد، وسط قنوت نماز بودیم که صدای گریه دونفر را از سمت راست خود شنیدم. در صقی که ایستاده بودیم چند نفر آن طرف تر از ما دونفر با ذکر قنوت نماز عید فطر بلند بلند گریه می کردند و من که کاغذی که دعا روی آن نوشته شده بود را به دقت می خواندم تا کلمه ای پس و پیش نشود حواسم جوری پرت شده بود که هی سیاهی چشمم را نا خودآگاه به گوشه می کشاندم تا چهره آن دو گریه کن را ببینم. در حالی که امکان پذیر نبود. خیلی فکری شدم و چکیده افکارم این بود که اگر این دونفر در ماه مبارک رمضان روزه گرفته باشند پس ما چه کار کرده ایم؟ یا اینکه بطور می شود که آدم وسط نماز این طور بلند بلند گریه کند؟ اصلاً اگر بسته شدن درهای ویژه رحمت الهی این قدر متقلب کننده است پس چرا ما عین خیالمان نیست؟ شاید اصلاً ما به ماه رمضان وارد نشده باشیم که خروج از آن هیچ درد ورنجی برای ما نداشته و ندارد؟

ما یک رسمی داریم به نام املت عید فطر که مخصوص خانواده خودمان است، اما بدیم اصرار دارد که به جای نوروز در یونسکو به عنوان میراث ملی ثبت شود. رسم املت ما به این صورت است که روز پیش از عید گوجه ها را در آب جوش می ریزیم تا پوستشان به سادگی جدا شود. بعد گوجه فرنگی های بدون پوست را در میکسر می ریزیم و محصول به دست آمده را روی گاز حرارت می دهیم تا آب بپندازد و غلیظ شود. این کار برای تسریع در روند املتیزاسیون است و وقتی گوجه به این مرحله می رسد تنها نیاز به یک تفت ریز با ادویه جات در روغن دارد و تخم مرغ ها هم که خیلی مصدع اوقات شریف خوردن گان نشده و به سرعت تبدیل به محصول می شوند. به صورت تقریبی از زمانی که از نماز عید فطر به خانه می رسمیم تا لحظه حمله به ماهیتابه ۱۰ دقیقه زمان می برد و نیاز نیست که بالای سر ماهیتابه با سیستم و گوجه های من بخوانیم و با وعده اینکه با آن ها هستیم از آن های خواهم که دهن سفیده تخم مرغ ها را سرویس کنند تا املت ما قمرز شود! این کار علاوه بر سرعت بخشی به املت، می تواند مانند بخشی از یک حصار بزرگ در مقابل ورود اشعار ضعیف به ادبیات فارسی عمل کند. نویسنده این متن سال ها است که با دهانی پر از

بیا که ترک فلک خوان روزه غارت کرد
ثواب روزه و حج قبول آن کس برد
مقام اصلی ما گوشه خرابات است
نماز در خم آن ابر و ان محرابی

حافظ



اقامه نماز عید سعید فطر در میدان اسکندربگ گواهی بر تساهل مذهبی این کشور و تعهد آن به ترویج هماهنگی و تفاهم بین ادیان است. این تصویر یادآور اهمیت احترام و بزرگداشت تفاوت های فرهنگی و مذهبی و نقشی است که عکاسی می تواند در ارتقای درک و همدلی ایفا کند.

عکس: جنت اسکولاکو، خبرگزاری گتی فرانسه



روایت یک قاب

منظر زیبای فطر، کثرت در قاب وحدت



عباس و نویسنده

عید فطر به عنوان جشن پایانی یک ماه عبادت و تمرین خودسازی برای مسلمانان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از همین رو تصاویر و عکس های منتشر شده هرساله از برگزاری این عید در سرتاسر جهان سرشار است از جذابیت های متنوع بصری. عکس هوایی از نماز عید فطر در آلبانی نمایش تصویر قدرتمندی از وحدت و تنوع جامعه مسلمانان در این رویداد مهم است. این عکس که از میدان اسکندربگ در تیرانا گرفته شده است، جمعیت زیادی از نمازگزاران را به تصویر می کشد که در فضایی بزرگ گرد هم آمده اند و لباس های رنگارنگ به تن کرده و مشغول اقامه نماز هستند. ترکیب بندی عکس به خوبی متعادل است و ردیف های نمازگزاران یک الگوی متقارن را تشکیل می دهد که نگاه بیننده را به تساوی بین این پراکندگی منظم بخش می کند. استفاده از نور طبیعی و پالت رنگی خنثی به فضای آرام صحنه می افزاید، در حالی که تضاد بین چمن سبز و لباس سفید نمازگزاران جلوه بصری قابل توجهی ایجاد می کند. از منظر قاب و الگوی ترکیب بندی، عکس گواهی بر قدرت عکاسی هوایی در ثبت چشم اندازهای منحصر به فرد دارد. استفاده از یک نقطه دید بالا و یک لنز زاویه باز، حس مقیاس و عظمت را ایجاد می کند و اهمیت مناسبت و کثرت در عین وحدت جامعه مسلمانان را برجسته می کند.